



## رابطه دو مالیات شرعی و حکومتی بر مال واحد

پدیدآورنده (ها) : خانزاده فیروزآبادی، محمد

فقه و اصول :: نشریه پژوهش های فقه اسلامی و مباحث حقوق :: زمستان ۱۳۹۹ و بهار ۱۴۰۰ - شماره ۵

صفحات : از ۲۹ تا ۵۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1847170>

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- بررسی دوگان های تقدم وجوهات شرعی یا مالیات و مکمل یا جانشین بودن آن ها با تأکید بر ابعاد حکومتی خمس و زکات در اقتصاد اسلامی ایران
- بررسی نقش تعدیل گر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت بر رابطه بین مدیریت ریسک و سیاست جسورانه مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
- تاثیر سودآوری بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و اجتناب از مالیات
- بررسی و تحلیل رابطه «اراده الهی» و «اراده انسان» و عدم متناقض بودن آن دو بر اساس برهان «فسخ عزائم»
- بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و محیط کالبدی محلات مسکونی با تأکید بر فضاهای باز و عمومی (نمونه موردی: دو محله متعلق به شهر تبریز)
- تأثیر تغییرات ساختاری و سرمایه انسانی بر رابطه آلودگی محیطزیست و رشد اقتصادی در کشورهای حوزه منا با دو روش GMM و PVAR
- تعیین رابطه بین عوامل آمادگی جسمانی مرتبط با تندرستی و تعیین نقش پیش بینی کننده آن بر سلامت روانی کارکنان یک واحد نیروی انتظامی
- بررسی رابطه سلامت سازمانی و قدرت مدیران در ادارات تربیت بدنی استان اصفهان بر اساس مدل دو عاملی قدرت
- بررسی رابطه بین مالیات عملکرد و مالیات بر ارزش افزوده در شرکت های بازرگانی شمال شهر تهران
- تعیین تاثیر ارزیابی مدیران آموزشی مقطع متوسطه دو توسط واحد بازرسی در آموزش و پرورش شهر قدس بر عملکرد سازمانی آن ها

## موضوع: رابطه دو مالیات شرعی و حکومتی بر مال واحد

\* محمد خانزاده فیروزآبادی

### چکیده

می‌توان گفت یکی از مباحث مهم در اقتصاد اسلامی، تعیین رابطه بین مالیات‌های اسلامی مثل خمس و زکات، و مالیات متعارف که دولت‌های اسلامی بر خیلی از کسب و کارها، فنون، صنعت‌ها، شرکت‌ها به عنوان مالیات از این نوع کسب و کار مالیات دریافت می‌کنند است. از سوی دیگر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی فضای لازم برای همگرایی نظام مالیاتی کشور با نظام مبتنی بر وجوهات شرعی و به نوعی پیاده‌سازی نظام مالیاتی متناسب با الگوی اسلامی وجود ندارد یا شکل نگرفته است، که این امر به دلایلی مورد دغدغه فقها و محققان اقتصاد اسلامی قرار نگرفت و همین عدم توجه موجب شده است تا مسلمانانی که مقید به پرداخت وجوهات شرعی با پرداختی‌های تکلیفی دو سویه (پرداخت مالیات از یک سو و پرداخت وجوهات شرعی از سوی دیگر) مواجه باشد. لذا می‌توان گفت این مشکل ناشی از جدا بودن دو نظام مالیاتی است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و اجتهادی، به نقد نگاه رایج از ارتباط دو نظام مالی (نظام مالی مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی کشور) پرداخته و با تبیین نگاهی واحد به وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در شرایط امروز، وجوهات شرعی را به عنوان مالیاتی در کنار مالیات‌های حکومتی می‌داند. یکی از دلالت‌های این نوع نگاه جدید به نظام مالیاتی، حل مشکل پرداخت‌های دو سویه خواهد بود.

**کلیدواژگان:** مالیات اسلامی، خمس، زکات، مالیات‌های حکومتی، پرداخت‌های دو سویه

\* پژوهشگر مرکز فقهی اهل‌البیت (علیهم‌السلام)

## مقدمه

تشکیل حکومت اسلامی و اداره امور آن نیازمند منابع مالی است. در تمام جوامع، مالیات با تأسیس دولت و نظام همزمان بوده است، به طوری که نبود یا کمبود منابع مالی می‌تواند یک نظام سیاسی را به چالش و مشکلات عدیده مواجه کند. منابع مالی یکی از ارکان دوام دولت و محرک اصلی چرخ ماشین نظام است.

امروزه در تمام جوامع، مالیات مهم‌ترین منبع مالی شناخته می‌شود که نرخ (درصد) و نوع آن متناسب با مبانی حکومت متفاوت است. منابع مالی و مالیات‌ها یکی از نیازهای اساسی و کلیدی دولت اسلامی است؛ چرا که اجرای برنامه‌ها و اهداف ادیان با برقراری حکومت امکان پذیر است و برقراری حکومت هم نیاز و وابسته به منابع مالی است.

در دین مبین اسلام هم عناوینی همچون خمس و زکات برای تأمین منابع مالی مطرح شده است که این بیانگر این است که برنامه‌های اسلام در پرتوی وجود حکومت، بهتر عملی است.

اگر منابع مالی اسلامی پاسخگوی نیازهای حکومت نباشد، بحث تعمیم و گسترش مالیات‌های اسلامی یا کشف منابع و سازکارهای جدید مطرح می‌شود. می‌توان گفت یکی از راهکارها این است که حکومت با اخذ مالیات از مردم وظایف خود را انجام دهد به طوری که امروزه تمام جوامع این رویکرد را پذیرفته‌اند.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق حکومت اسلامی و با تغییر نگاه به اصلاح امور حکومتی، این انتظار به وجود آمد که اهداف و مبانی اسلامی باید در تمام زمینه‌ها به خصوص در نظام اقتصادی تحقق یابند. یکی از این جریان‌های اصلاحی، اصلاح امور مالیاتی است و به عبارت دیگر، رسیدن به نظامی برخوردار از مبانی مالیات و جهت‌گیری‌های اسلامی نسبت به آن و در عین حال مطابق با ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور است.

این جریان اصلاحی در ترمیم برخی امور به دلایلی با سرعت و شتاب بیشتری انجام گرفت اما در مالیات رخ نداده و هیچ نوع مالیاتی با قطع نظر از نرخ، شکل و پایه آن مورد جرح و تعدیل قرار نگرفته است.

آنچه در این نوشتار مورد توجه قرار دارد اشکال به رویکرد رایج به دو نظام مالیاتی است؛ در واقع هدف نقد نگاه موازی به نظام مالی مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی متعارف است.

یکی از مشکلات موجود در نظام مالیات کنونی که نتیجه اتخاذ این نگاه موازی به نظام مالیاتی است، برخورد دو سویه با افراد متدین است. برای مثال فردی مذهبی که مشمول مالیات بر درآمد است فارغ از پرداخت وجوهات شرعی (خمس و زکات) باید مالیات خود را نیز بپردازد، در حالی که فرد غیر مقید به پرداخت وجوهات شرعی تنها مالیات را پرداخت کرده و متحمل بار مالی زیادی نمی‌شود. لذا این انتظار می‌رود در یک نظام مالیاتی مبتنی بر اصول اسلامی، افراد متدین و مذهبی کمترین فشار مالی را متحمل شوند.

از طرفی قائلین به پرداخت مالیات خواه به صورت یک سویه باشد یا به صورت دو سویه (پرداخت مالیات با پرداخت زکات یا خمس) می‌گویند تشکیل حکومت اسلامی و نیاز به تامین منابع مالی جهت اداره امور حکومت و بررسی تکالیف حکومت اسلامی نشان می‌دهد که هر حکومتی منابع درآمدی متعددی برای دولت خود وضع می‌کند.

خداوند متعال منابعی برای اداره امور جامعه قرار داده که در قالب احکام اولیه از آن نام برده می‌شود که با بررسی متون و منابع اسلامی به دست می‌آید اما این وجوهات شرعی معین و محدود بوده است. در روایت از امام صادق (ع) آمده است: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ فَلَوْ عَلِمَ أَنَّ الَّذِي فَرَضَ لَهُمْ لَا يَكْفِيهِمْ لَزَادَهُمْ ... لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدُّوا حُقُوقَ أَمْوَالِهِمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بَخِيرًا». طبق این روایت تامین فقرا وظیفه اغنیا است و اگر نیاز آن‌ها بیشتر بود خداوند آن را مشخص می‌کرد، لذا به همین خاطر برخی گفته‌اند در اسلام منابع مالی متعدد وضع شده است که برای اداره جامعه کفایت می‌کند.

با این بیان اگر کسی خمس و زکات پرداخت کند دیگر تکلیفی بر عهده‌اش نیست، اما با توجه به وظایف دولت و حکومت اسلامی و شرایط جدید جامعه، این منابع جوابگوی همه نیازهای دولت برای تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳، ص ۴۹۶. من لا یحضره الفقیه، شیخ مفید، ج ۲، ص ۴؛ ر.ک: وسائل الشیعه، عاملی، محمد بن حسن، ج ۹، ص ۱۰.

سیاسی نیست. از این رو امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه می‌فرماید: «مالیات - های که اسلام مقرر کرده و طرح بودجه‌های که ریخته نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تامین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است»<sup>۱</sup>، از این رو برای اداره حکومت چه اشکالی دارد که علاوه بر مالیات از پیش تعیین شده (خمس و زکات) مالیات‌های جدید هم وضع شود.

### مفهوم مالیات و مصادیق آن

تشکیل حکومت و نیاز به تأمین منابع مالی جهت اداره امور حکومت نشان می‌دهد که هر حکومتی باید منابع درآمدی متعددی را برای دولت خود وضع می‌کند که یکی از این منابع درآمد مالیات است. حکومت‌ها برای تقویت حکومت و تامین مخارج عمومی از اشخاص حقیقی و حقوقی در قبال استفاده از امکانات و خدماتی که حکومت به آن‌ها می‌دهد طبق قانون مالیات دریافت می‌کنند. بنابراین مهم‌ترین روش برای تامین مخارج حکومت و دولت برای تامین رفاه اجتماعی دریافت مالیات است.

با بررسی تاریخ صدر اسلام می‌توان دو نوع مالیات را در حکومت اسلامی مشاهده کرد؛ نوع اول مالیات‌های اولیه یا ثابت که پیامبر یا ائمه (ع) تشریح کرده‌اند، مثل خمس، زکات، خراج.

۱. ولایت فقیه، موسوی خمینی، سید روح الله، صص ۳۱-۳۲.

خراج در لغت به معنای درآمد، سود و پاداش، عطیه و محصول زمین است که به تدریج در عرف به معنای مالیات شد. همچنین در صدر اسلام به تدریج به مالیات بر اراضی عنوان خراج اطلاق شد؛ یعنی محصول زمین با قسمتی از سود زمین به صورت مالیات اخذ می‌شد.<sup>۱</sup>

جزیه را در لغت از ماده جَزَى عربی به معنای کفایت کردن،<sup>۲</sup> یا پاداش دادن دانسته‌اند.<sup>۳</sup> در اصطلاح به مالیاتی اطلاق می‌شود که دولت اسلامی از اهل کتاب در قبال اقامت آنان در بلاد اسلامی و مصونیت از تعرض دیگران به آنان بر اساس قرارداد ذمه دریافت می‌کند.<sup>۴</sup>

مُکُوس (مالیات بر درآمد) به مبالغی گفته می‌شد که در زمان جاهلیت از فروشنده‌گان کالاها دریافت می‌شد،<sup>۵</sup> چنانچه در زمان بنی‌امیه چنین مالیاتی مرسوم شد.<sup>۶</sup>

نوع دوم مالیات حکومتی (غیر ثابت) که پیامبر (ص) و ائمه معصومین وضع کردند؛ اما این نوع مالیات‌ها موقت و مخصوص به زمانی خاص بوده‌اند، مثل مالیات گرفتن حضرت علی (ع): عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ مُحَمَّدٍ

۱. مدرسی طباطبایی، حسین، زمین در فقه اسلامی، صص ۱۴-۱۵.

۲. ابن‌اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۱، ص ۲۶۲؛ ر.ک: ابن‌قدامة، ج ۱۰، ص ۵۶۷. نجفی، ج ۲۱، ص ۲۲۷.

۳. راغب اصفهانی، ذیل «جزاء»؛ ر.ک: ابن‌فراء، ص ۱۵۳.

۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۲۷.

۵. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۲۲۰.

۶. ابوعبید، القاسم بن سلام، الاموال، ص ۷۰۴.



بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ عَنْهُمَا جَمِيعاً عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «وَضَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى الْخَيْلِ الْعِتَاقِ الرَّاعِيَةِ فِي كُلِّ فَرَسٍ فِي كُلِّ عَامٍ دِينَارَيْنِ وَ جَعَلَ عَلَى الْبَرَّادِينَ دِينَاراً»<sup>۱</sup> که برخی از فقها آن را مصداق زکات ندانسته بلکه از مالیات شمرده‌اند.<sup>۲</sup>

اما اصطلاح مالیات عبارت است از بخشی از درآمد، ثروت، فروش یا بخشی از هر نوع پایه حقوقی دیگر که دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی اخذ می‌کند.<sup>۳</sup>

مالیات‌های که تعبیر به خراج شده دارای سه معنا و در سه مورد استعمال می‌شود، دو معنای آن در بدو تشکیل حکومت اسلامی تحقق یافت که همان خراج اراضی و خراج معاهده و قرارداد صلح با کفار اهل کتاب است که خراج جزیه خوانده می‌شود، و معنای سوم خراج یعنی مالیات، که شامل مالیات‌هایی است که وزارت دارایی دریافت می‌کند.<sup>۴</sup>

امروزه طبق قانون که وضع شده می‌توان گفت مالیات به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شود. مالیات مستقیم مثل مالیات بر دارایی، مالیات بر ارث، مالیات حق تمبر، مالیات بر درآمد املاک، مالیات بر درآمد حقوق، بر درآمد مشاغل، بر درآمد کشاورزی، بر درآمد اشخاص حقوقی، بر درآمدهای اتفاقی و .... مالیات غیر

۱. الکافی، محمد بن یعقوب، ج ۳، ص ۵۳۰.

۲. خوبی، سید ابوالقاسم، موسوعه الامام خوبی، ج ۲۳، ص ۱۴۲.

۳. فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۴. حسینی نجومی، سید مرتضی، الرسائل الفقهی، قم، ص ۲۰۰.

مستقیم مثل مالیات بر واردات، مالیات بر مصرف، فروش کالا و خدمات، مالیات بر ارزش افزوده و ... که هر کدام دارای بخش‌های می‌باشد.

از این رو طبق قانون مبلغی را که سازمان مالیات وضع کرده است به عنوان مالیات پرداخت می‌کنند، چرا که هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون، و برای موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.<sup>۱</sup>

از این رو در این نوشتار برآنیم تا به طور مختصر به تبیین نگاهی مستند و مستدل برای حل این مشکل موازی پرداخت دو سویه افراد پرداخته شود.

## نظام مالیاتی

پیاده کردن نظام مالیاتی متناسب مستلزم به کارگیری اصول و مبانی است که با توجه به شرایط خاص تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی از اسلام گرفته شده باشد، مثلاً نظام مالیاتی کشور علی‌رغم استفاده از تجارب مالیاتی کشورهای دیگر و همچنین تجارب گذشته خود به زعم اکثر کارشناسان این حوزه از مشکلات بسیاری برخوردار است.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد مالیات‌هایی که با شرایط خاص و مصارف خاص در نصوص اسلامی آمده مثلاً رسول خدا (ص) برای زمین‌های خیبریان که در آن نخل

۱. اصل ۵۱ قانون اساسی.

کاشته بودند مالیات یک دهم و نصف یک دهم مقرر کرده بودند،<sup>۱</sup> یا حضرت امیرالمومنین علی (ع) در زمان حکومت خود بر گونه‌ای از اسبان مالیات وضع کرده بودند.<sup>۲</sup> در مقام نظر می‌تواند جایگزین خوبی برای این مالیات‌ها باشد اما در عمل مشکلات فقهی، اجرایی، ساختاری که در ادامه از آن‌ها بحث خواهد شد مانع از این است تا حداقل نظام متعارف، الگوی خود را با نظام مالیاتی مبتنی بر وجوهات شرعی همراه سازد.

بنابراین برای پیاده سازی کامل نظام مالیاتی مطلوب لازم است تمام مشکلات مذکور (فقهی، اجرایی و ساختاری) حل گردد، اما این بدین معنی نیست که تا حل کامل این مشکلات باید صبر کرد بلکه باید به طراحی و جایگذاری نظام مالیاتی اولیه اما نزدیک به ایده‌آل که به تدریج و به مرور زمان خود را کامل کرده و مشکلات خود را حل کند پرداخت. این نظام می‌تواند با تغییر رویکرد، موجبات اصلاحات بعدی را با ایجاد فضایی جدید در راستای رسیدن به یک نظام مالیاتی ایده‌آل فراهم آورد. قبل از بررسی جایگزینی چنین نظام مطلوبی باید به تبیین نوع نگاه رایج به نظام مالیاتی و نظام مالی مبتنی بر وجوهات شرعی پرداخته و ربط و نسبت آن‌ها را در این نگاه مشخص شود.

۱. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ۳۷۴.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۳، ص ۵۳۰.

## نگاه رایج به مالیات و وجوهات شرعی

مشخص شدن نوع نگاه رایج به وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در این شرایط، علاوه بر اشکالات این نوع نگاه همچون مشکل پرداختی‌های دو سویه، به بررسی بهتر فتاوی صادر شده فقها پیرامون وجوب پرداخت هر یک از این دو پرداختی کمک می‌کند. لذا در این بخش به بررسی این دو نظام و ربط آن‌ها به تبیین مشکل پرداختی‌های دو سویه پرداخته خواهد شد.

### مالیات‌های حکومتی

هر حکومتی در قبال مردم خود مسئول بوده و وظایفی همچون تدارک کالاهای عمومی اعم از آموزش، بهداشت، امنیت و غیره را عهده‌دار است و برای پوشش هزینه‌های خود نیازمند منابع درآمدی است که مالیات نیز یکی از مهم‌ترین اقلام درآمدی دولت‌ها است. نظام مالیاتی کشور نیز همچون نظام مالیاتی دیگر کشورهای جهان برای پوشش بخشی از مخارج خود مجبور است طبق الگوی تعیین شده در قانون بر حسب نرخ، شکل و پایه خاص مالیاتی از مردم مالیات مطالبه نماید.

مبلغ مالیات جمع‌آوری شده از هر فرد جامعه، سهم وی از تأمین هزینه کالا و خدمات عمومی تدارک شده توسط دولت است. بنابراین اگر شخصی از پرداخت مالیات ممانعت کرده و از دادن آن سرباز زند، در واقع بدون پرداخت هزینه کالاهای عمومی از آن‌ها استفاده کرده است. از این روست که اکثر علماء و فقها در صورت مطالبه مالیات، پرداخت آن از سوی مردم را امری واجب دانسته و فرار از مالیات را

به هر بهانه‌ای حرام می‌دانند.<sup>۱</sup> بنابراین پرداخت مالیات‌های حکومتی شرعاً و قانوناً الزامی است.

### وجوهات شرعی

در این شرایط مسلمان به حکم شرع با پرداختی‌های لازم الاداء دیگری چون خمس و زکات رو به رو هستند. پرداخت خمس و زکات از زمان تشریح آن‌ها در زمان حکومت پیامبر (ص) تا به امروز به جز در برهه‌هایی کوتاه در اباحه و تحلیل آن‌ها توسط ائمه (ع) واجب بوده است، مثل روایت ابی بصیر، زراره و محمد بن مسلم از امام باقر (ع) نقل شده است: «مردم در مورد خوردنی‌ها و شهوات جنسی خود هلاک شدند؛ چون که حقوق ما را نپرداختند، آگاه باشید که شیعیان ما و پدرانشان از این حق استثنا شدند و برای آن‌ها حلال است».<sup>۲</sup>

همچنین روایت دیگری که فضیل بن یسار از امام صادق (ع) نقل کرده است: «کسی که محبت ما را در وجودش بیابد پس باید خدا را به جهت اولین نعمتش حمد کند. فضیل عرض کرد: اولین نعمت چیست؟ امام (ع) فرمود: حلال‌زاده بودن، سپس فرمود: امیرالمؤمنین (ع) به فاطمه زهرا (س) فرمود: سهم خود را از غنیمت و اموال برای پدران شیعیان ما حلال کن تا ولادت آن‌ها پاک شود. آن‌گاه امام صادق (ع) فرمود: «ما مادران شیعیان را برای پدرانشان حلال کردیم تا حلال‌زاده شوند».<sup>۳</sup>

۱. یوسفی، احمدعلی و دیگران، نظام مالی اسلام، صص ۴۳۷-۴۳۸.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

۳. همان، ص ۱۴۳.

خمس و زکات بر خلاف مالیات‌های حکومتی شرایط و منابع و مصارف خاص خود را دارد اما بنا به دلایلی قانون در مورد پرداخت یا عدم پرداخت این وجوهات سکوت کرده است و می‌توان گفت پرداخت این وجوهات الزام قانونی ندارد، چرا که در قانون اساسی بند یا تبصره بر الزام پرداخت وجوهات شرعی تعیین و مشخص نشده است، اما طبق فتوای علماء و مراجع معاصر، پرداخت خمس و زکات شرعاً الزامی و واجب است.

### رابطه بین مالیات و وجوهات شرعی

در مورد وضع مالیات‌های حکومتی و جواز آن سه نظر عمده در میان فقهای معاصر وجود دارد:

**الف.** عده‌ای از فقها پرداخت مالیات را بخشی از مؤونه و تأمین برخی هزینه‌های زندگی که دولت آن‌ها را تدارک دیده می‌دانند. از این رو نگاه آن‌ها به وضع مالیات - های حکومتی، وضع حکمی اولیه در کنار وضع وجوهات شرعی است.<sup>۲</sup> طبق این نظر، پرداخت مالیات به مثابه پرداخت بخشی از هزینه زندگی واجب است و عدم

۱. احکام اولیه احکامی است که متعلق به فعل مکلف یا موضوع خارجی باشد با همان عنوان اولیه که از هر قید و حالتی عاری است، مثل حرمت برای خوردن شراب. اما احکام ثانوی حکمی است متعلق به فعل مکلف در حالتی که مقید به قید اضطرار و اکراه شود، مانند حکم خوردن شراب و یا خوردن گوشت خوک در حالت اضطرار، که حلیت است. (مشکینی، ص ۱۲۱)

۲. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۱۰، ص ۲۲.

پرداخت مالیات به مثابه استفاده از کالاهای عمومی بدون پرداخت قیمت آن بوده و فرار به هر شکلی در آن فعل حرام محسوب می‌شود.

ب. اکثر فقهای معاصر، مالیات حکومتی را حکم ثانویه تلقی کرده و اصلاً جواز آن‌ها را منوط به حکم حاکم شرع می‌دانند.<sup>۱</sup>

ج. عده‌ای از فقهای (گروه دوم) در حالی که مالیات حکومتی را حکم ثانویه تلقی کرده و جواز آن‌ها را منوط به حکم حاکم شرع می‌دانند اما تحلیل دسته اول در توجیه مالیات را بر می‌گزینند. در واقع در تحلیل و بررسی خود مالیات را حکم ثانویه ندانسته بلکه آن را حکم اولیه می‌دانند، چرا که از یک سو جواز اخذ مالیات را منوط به نظر حاکم شرع دانسته (به عنوان حکم ثانویه) و از سوی دیگر تحلیل خود را بر اساس اولیه بودن حکم مالیات ارائه می‌دهند.<sup>۲</sup>

لذا نگاهی که در شرایط امروز به پرداختی‌های واجب همچون وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی وجود دارد نگاهی موازی است (دسته اول و سوم) و از یک سو پرداخت وجوهات شرعی به واسطه شرع واجب است و باید از طریق مراجع صرف هزینه‌های خاصی که مورد رضایت امام معصوم (عج) است شود و از سوی دیگر مردم مؤلف به پرداخت مالیات‌های حکومتی هستند که جهت ادامه حیات دولت صرف مخارج عام دولت می‌شود.

۱. یوسفی، احمدعلی و دیگران، نظام مالی اسلام، صص ۴۳۵-۴۳۶.

۲. همان.

از آنجایی که این دو نظام با توجه به شرایط اخذ مختص به خود و مصارف خاص و مجزا، از هم جدا بوده و هیچ ربطی به هم ندارند، در نتیجه طبق فتوای همه مراجع معاصر پرداخت هر کدام از این وجوهات کفایت از پرداخت دیگری نمی‌کند؛ زیرا مالیات همچون سایر هزینه‌های زندگی بخشی از مؤونه فرد محسوب شده و خمس از درآمد باقیمانده از مؤونه کسر می‌شود که در نتیجه مالیات و خمس به هم ربط ندارند و علاوه بر اینکه خمس و مالیات هر یک مصرف خاص خود را دارند.

### اشکالات پرداخت دو سویه

طبق فتوای بیشتر مراجع عظام، پرداخت وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی هر دو واجب است. لذا به طور کلی مشکلات ناشی از این پرداخت‌های دو سویه را می‌توان در یکی از این سه سطح مشاهده کرد:

**الف.** افرادی که اولویت و تقدم رتبی را بنا به حکم تعالیم اسلامی به پرداخت وجوهات شرعی داده و با پرداخت آن‌ها فرار از پرداخت مالیات‌های حکومتی را به جهت فقدان نصوص و متونی که ظاهراً آن‌ها را واجب بدانند برای خود موجه می‌دانند. بنابراین یکی از نتایج حاصل از این مشکل، نحوه مواجهه سازمان امور مالیاتی با این افراد در جلوگیری از فرار مالیاتی است، هر چند این سطح از مشکل آنچنان چشمگیر و قابل تصور نیست.

۱. همان، صص ۴۳۷-۴۳۸.



ب. افراد مذهبی و مقید به فتوای مراجع تقلید، خود را به پرداخت هر دو نوع آنها مؤظف دانسته و متحمل فشار مالی و اقتصادی بیشتری می‌شوند.

ج. افرادی که برای فرار از بار مالی و اقتصادی حاصل از این پرداخت‌های دو سویه ترجیح می‌دهند به جای تحمل جریمه‌ها و یافتن راه‌های فرار از مالیات، راه به ظاهر ساده‌تر یعنی امساک از پرداخت وجوهات شرعی را برگزینند. بنابراین یکی از نتایج حاصل از این مشکل عدم نیل به اهداف و غایات حاصل از وجوب وجوهات شرعی است.

اکثر مراجع تقلید در پاسخ منفی به استفتاء از کفایت پرداخت هر یک از وجوهات شرعی و مالیات حکومتی از پرداخت دیگری، بدون ذکر مشکلات امروز در اتحاد دو نظام مالیاتی، معمولاً به دو شکل پاسخ گفته‌اند که هر دو پاسخ را می‌توان منبعث از همین نگاه موازی دانست:

۱. مالیات همچون سایر هزینه‌های زندگی بخشی از مؤونه فرد محسوب شده و خمس از درآمد باقیمانده از مؤونه کسر می‌شود. در نتیجه مالیات و خمس به هم ربط ندارند.

۲. خمس و مالیات هر یک مصرف خاص خود را دارند. در نتیجه مالیات و خمس به هم ربط ندارند.

قبل از نقد این نوع نگاه به پرداختی‌های واجب و ارائه جایگزینی برای آن، لازم است تا مروری بر نحوه مواجهه با خمس و زکات در دوره پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) و همچنین حکومت اسلامی در دوران غیبت داشته باشیم.

## مواجهه مالیات با خمس و زکات

در مواجهه این دو مسأله با هم به صورت زیر مطرح می‌شود:

**الف.** دوره حاکمیت پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع). بنا بر شواهد تاریخی، مسئولیت گردآوری و مصرف زکات در این دوره بر عهده حاکم اسلامی بوده است. در این دوره، پیامبر (ص) از مردم زکات می‌گیرد<sup>۱</sup> یا حضرت افرادی را برای جمع آوری زکات گمارده و سهمی از زکات را برای آن‌ها در نظر می‌گرفت<sup>۲</sup> و خود آن حضرت بنا به مصلحت جامعه و تشخیص خویش به هزینه و مصرف زکات در مصارف خاص زکات می‌پردازد. هر چند مدارکی از گرفتن خمس توسط پیامبر (ص) آن هم مواردی غیر از غنائم جنگی وجود دارد<sup>۳</sup>، اما قدر مسلم مسئولیت

۱. توبه، ۱۰۳.

۲. همان، ۶۰.

۳. برخی از علماء عموماتی را که احتمال انطباق آن بر خمس ارباح مکاسب است را به عنوان ادله تشریح خمس ارباح مکاسب در زمان پیامبر (ص) مطرح می‌کنند. (منتظری، ج ۶، ص ۱۴۲). برای مثال روایت ابن طاووس: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِأَبِي ذَرٍّ وَسُلْمَانَ وَالْمُقَدَّادَ ... وَ إِخْرَاجَ الْخُمْسِ - مِنْ كُلِّ مَا يَمْلِكُهُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ - حَتَّى يَرْفَعَهُ إِلَيَّ وَ لِيِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَمِيرِهِمْ». (عاملی، ج ۹، ص ۵۵۳)

دریافت خمس غنائم<sup>۱</sup> و مصرف آن بر عهده پیامبر (ص) بوده است<sup>۲</sup> و همین مورد برای اثبات دریافت خمس توسط پیامبر (ص) کفایت می‌کند.

روش حضرت علی (ع) در جذب درآمد برای حکومت نیز همانند روش پیامبر (ص) است. آن حضرت به فرمانداران خود هم دستور گردآوری زکات را داده و هم چگونگی مصرف آن را و هم آداب برخورد با زکات دهندگان را یادآور می‌شدند.<sup>۳</sup> اما بنا به گسترش جامعه اسلامی در دوره حکومت ایشان، حضرت علاوه بر دریافت زکات در کنار دیگر منابع درآمدی حکومت همچون خراج و جزیه به وضع مالیات‌های حکومتی می‌پردازد.<sup>۴</sup>

ب. در دوره غیبت معصوم فقیه جامع شرایط در رأس نظام قرار می‌گیرد باید دید که وظیفه ما نسبت به وجوه شرعی چیست؟ آیا باید به روش پیامبر و علی (ع) در دوره حاکمیت تمسک جست یا خیر؟

اما پس از قبول برپایی حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه و اینکه حکومت اسلامی سرپرست بیت المال اسلامی است و پس از اعتقاد یقینی به آن که خمس و زکات از درآمدهای بیت المال اسلامی است، دیگر طرح نظریه مسئولیت مراجع

۱. از نظر فقهای شیعه فرقی بین خمس غنائم و خمس دیگر منافع وجود ندارد. (درخشان، ص ۲۱)

۲. انفال، ۴۱.

۳. نهج البلاغه، نامه ۲۶.

۴. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ عَنْهُمَا جَمِيعاً (ع) قَالَ: وَضَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ص) عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الرِّبَاةَ فِي كُلِّ قَرْسٍ فِي كُلِّ عَامٍ دِينَارِينَ وَ جَعَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ دِينَاراً. (کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۳۰)

دینی بر این حقوق شرعی، غیر موجه می‌باشد، به ویژه هنگامی که به این نظریه توجه شود که ولایت در حکومت اسلامی متعدد نیست و ضرورت دارد مرجعیت ولایی از مرجعیت فتوایی تفکیک گردد.<sup>۱</sup>

در واقع با پذیرش ولایت فقیه در عصر غیبت تردیدی نیست که فقیه حاکم همان اختیاراتی را دارد که پیامبر (ص) در ایام حکومت داشت، یعنی همان گونه که در عصر حاکمیت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) اختیار زکات و خمس، هم در جمع آوری و هم در هزینه کردن به عهده آن دو بزرگوار به عنوان حاکم و امام مسلمانان بود، اکنون بر فقیه حاکم است تا به عنوان حکم اولیه خمس و زکات را از مردم گرفته و در راه مصالح مسلمانان برابر تشخیص خود مصرف و هزینه کند.

از این رو امام خمینی (ره) بر اساس این دیدگاه در کتاب ولایت فقیه می‌فرماید: «مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌های که ریخته نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر و (روحانی) نیست؛ بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. مثلاً «خمس» یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت المال می‌ریزد و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می‌دهد ... اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیات‌هایی که داریم، یعنی خمس و زکات و ... اداره شود.

۱. معرفت، محمد هادی، ولایت در خمس، مجموعه مقالات نظام مالی اسلام.

تعیین بودجه‌های به این هنگفتی دلالت دارد بر این که منظور تشکیل حکومت و اداره کشور است برای عمده‌حوایج مردم و انجام خدمات عمومی، اعم از بهداشتی و فرهنگی و دفاعی و عمرانی، قرار داده شده است.<sup>۱</sup>

### یکپارچه کردن نظام مالیاتی و محدودیت‌های آن

مهم‌ترین دلیل در عدم موافقت فقها با یکپارچه سازی دو نظام مالیاتی (شرعی و حکومتی) را عدم دقت در تفکیک موارد مصرف این دو پرداختی می‌دانند. <sup>۲</sup> به عبارت دیگر از آنجایی که مصرف خمس و زکات در دوران غیبت باید مورد رضایت امام (عج) باشد، نمی‌توان از خمس و زکات با توجه به اولویت و ترجیح مصرف آن‌ها در مخارج عام حکومت مثل هدیه دادن به حاکمان کشورهای دیگر که چه بسا مورد رضایت امام (عج) نیست مصرف کرد.

همچنین می‌توان یکی دیگر از دلایل مخالفت علماء و فقها با یکی شدن خزانه در شرایط فعلی، مشکل استقلال حوزه‌های علمیه است. <sup>۳</sup> معمولاً وجوهات شرعی جمع‌آوری شده از طریق ساز و کار سنتی از طریق مراجع تقلید صرف هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری حوزه‌های علمیه می‌شود. هزینه‌هایی مثل تأسیس، ساخت و

۱. خمینی موسوی، سید روح الله، ولایت فقیه، صص ۳۲-۳۳.

۲. مؤمن، محمد، رابطه خمس و زکات و مالیات‌های حکومتی، مجموعه مقالات نظام مالی اسلام.

۳. گیلک حکیم آبادی، محمدتقی، مقایسه وجوه شرعی زکات و خمس با مالیات، مجموعه مقالات همایش مبانی فقهی و اقتصادی مالیات‌های اسلامی، صص ۱۵۶-۱۷۷؛ کبایه‌الحسینی، سید ضیاء‌الدین، ملاحظات پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی، پژوهشنامه مالیات، شماره یازدهم، پاییز، ص ۱۴.

تعمیر حوزه‌های علمیه، مساجد، بناها و نهادهای دینی، تأمین کالاهای سرمایه‌ای برای آن، تأمین هزینه‌های استخدام نیروی کار برای آن، هزینه تبلیغ دین و مذهب تشیع شامل اعزام مبلغ چاپ قرآن و کتب و جزوات دینی اهم آن می‌باشد.<sup>۱</sup>

حال اگر دولت متکفل تخصیص درآمدهای جمع‌آوری شده به مرجعیت باشد، دیگر مرجعیت به واسطه وابستگی مالی به دولت نمی‌تواند استقلال خود را در مقابل انحرافات احتمالی این دولت حفظ کند.

### حل مشکل پرداخت‌های دو سویه

یکی از دغدغه‌های اصلی کارشناسان حوزه اقتصاد وارد کردن وجوهات شرعی (خمس و زکات) به نظام مالیاتی بوده است، اما کارشناسان به دلیل مشکلات که بیان شد، ادغام کامل این دو نظام با هم را مشکل می‌دانند، اما در ادغام حداقلی آن که به حل مشکل پرداخت‌های دو سویه می‌انجامد پیشنهادهایی دارند که بیان خواهد شد.

یکی از مهم‌ترین پیشنهادها، پذیرش خمس به عنوان یکی از موارد مذکور در ماده ۱۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم و در قالب هزینه‌های قابل قبول است. اما این پیشنهاد پذیرفتنی نیست، چرا که طبق ماده ۱۴۷ قانون مالیات‌های مستقیم هزینه‌های قابل قبول عبارت است از هزینه‌هایی که در تحصیل درآمد مؤسسه در دوره مالی مربوط

۱. کیاءالحسینی، سید ضیاءالدین، ملاحظات پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی، پژوهشنامه مالیات، شماره یازدهم، پاییز، ص ۱۴.

ایجاد می‌شود، در صورتی که خمس به مثابه مالیات بر درآمد مازاد است و مالیات شخص محور است.

از طرف دیگر این همان نگاه موازی به دو نظام مالیاتی است. در واقع فرض کسانی که قرار است خمس را هزینه قابل قبول مالیاتی بدانند این است که اصل و حکم اولیه با نظام مالیات‌های حکومتی است و خمس با اینکه ربطی به نظام مالیاتی کشور ندارد، اما استثنائاً از درآمد مشمول مالیات کسر می‌شود. ثالثاً این نوع نگاه به خمس و معافیت آن به عنوان استثناء در میان هزینه‌های قابل قبول، علی‌رغم نگاهی که بتواند آن را اصل و حکم اولیه بداند، حاکی از فرعی بودن خمس و احکام مالی اسلام است. در واقع انجام فریضه مالی - عبادی در سرزمین اسلامی باید همراه با عزت و افتخار بوده و اصل بر تسهیل شرایط در بروز و اعلان آن باشد و نه به عنوان فرعی بر مالیات.

اما با این حال می‌توان با وارد کردن خمس به عنوان پرداختی این نظام واحد مالیاتی، ماده‌ای را به این مضمون در قانون مالیات‌های مستقیم الحاق کرد. به عبارت دیگر، پرداخت خمس و زکات به صورت قانون در بیاید، مثلاً در قانون اینطور بیان شود: «مؤدی مشمول مالیات بر درآمد در زمان تحویل اظهارنامه مالیاتی خود به سازمان امور مالیاتی، مدارک مستند و مورد تأیید سازمان امور مالیاتی از پرداخت خمس در سال مالیاتی خود را ارائه می‌دهد. لذا مالیات این فرد با احتساب خمس پرداخته شده در این سال مالیاتی محاسبه خواهد شد».

بنابراین هر فرد وجوهات خود را از طرقی که برای سازمان امور مالیاتی مستند باشد - برای مثال از طریق حساب بانکی - به مرجع تقلید خود منتقل می‌کند؛ به عبارت دیگر دفاتر هر یک از مراجع تقلید برای دریافت وجوهات شرعی مقلدین خود یک شماره حساب بانکی را به سازمان امور مالیاتی معرفی می‌کنند تا از این طریق وجوهات شرعی‌ای که به این حساب بانکی به طور مستقیم واریز می‌شود به دست مراجع عظام تقلید برسد، که در این صورت مسلم است که مصرفش به عهده مرجع تقلید و در راهی مصرف می‌شود که وی صلاح می‌داند.

اما از آنجایی که هدف اصلی از صرف این وجوهات در راستای رفع فقر و افزایش عزت شیعه است و این اهداف نیز جدا از اهداف دولت اسلامی نیست می‌توان گفت در صورت موافقت تقنینی دولت، مجلس و شورای محترم نگهبان، خمس و زکات، بخشی از مالیات فرد محسوب خواهند شد اما از آنجایی که مصارف وجوهات شرعی موارد خاصی را شامل می‌شود، مسلم است که پرداخت مالیات کفاف از پرداخت خمس و زکات نمی‌دهد، چرا که مالیات به عنوان حکم ثانویه بوده و جواز وضع آن در واقع به علت عدم کفاف وجوهات شرعی است.

شاید کسی بگوید یکی از مشکلاتی که در جمع خمس و مالیات در یک نظام به وجود می‌آید، از نحوه محاسبه و تقدم هر یک نسبت به دیگری خواهد بود. این هم قابل جواب و حل است به این بیان که هر شخص، روزی از سال را به عنوان رأس سال خمسی خود تعیین می‌کند. در آغاز سال مالی جدید، پرداخت خمس درآمد مازاد بر مؤونه سال قبل واجب است، یعنی زمانی که درآمد مشخص می‌شود، یک



پنجم مال باقیمانده از مؤونه مشمول خمس خواهد بود و از سوی دیگر فرض بر این است که با اشخاص حقیقی مشمول مالیات بر درآمد مشاغل مواجهیم که مالیات خود را در آخر شهریور ماه هر سال پرداخت می‌کنند. حال اگر زمان پرداخت مالیات این فرد ۳۰ شهریور ماه باشد نسبت به رأس سال خمسی این فرد، سه حالت را می‌توان تصور کرد:

**حالت اول:** اگر پرداخت خمس فرد قبل از تاریخ ۳۰ شهریور باشد آنگاه فرد میزان فلان تومان را به عنوان مبلغ خمس مازاد از مؤونه خود و از طریق حساب بانکی مورد تأیید سازمان امور مالیاتی پرداخت می‌کند و حال اگر در آخر تیر موظف به پرداخت مالیاتی به مبلغ فلان تومان باشد، می‌توان کل مبلغ پرداختی وی را بر حسب خمس پرداختی در آن سال و با توجه به پوشش بخشی از سال مالیاتی به صورت زیر محاسبه کرد. اگر میزان پرداختی خمس در خلال این سال مالیاتی باشد می‌توان آن را به عنوان مالیات پرداختی محاسبه کرد.

اگر میزان خمس پرداختی بیشتر از مالیات بر درآمد فرد باشد دیگر نیاز نیست مبلغی افزون بر آن به سازمان امور مالیاتی پرداخت شود، اما اگر میزان خمس کمتر از مبلغ مالیات وی باشد، میزان تفاضل آن‌ها باید تحت عنوان مالیات به سازمان امور مالیاتی پرداخت شود.

**حالت دوم:** اگر میزان پرداختی خمس بعد از تاریخ ۳۰ شهریور ماه صورت گیرد این پرداختی با مالیات سال بعد محاسبه خواهد شد و قاعدتاً ربطی به پرداختی مالیات وی در این سال نخواهد داشت.

**حالت سوم:** اگر زمان پرداخت خمس و مالیات شخص در آخر شهریور ماه و در یک روز باشد، از آنجایی که خمس واجب مالی تحت حکم اولیه است، ابتدا آن را استخراج کرده و سپس به مابقی آن تحت عنوان مالیات اقدام خواهد شد.

با این توضیحات می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مزایای الحاق این قانون با رویکرد وحدت بخشیدن به نظام مالیاتی، کمک به اشخاص مذهبی و مقید به پرداخت وجوهات شرعی است.

با نگاهی به تاریخ اسلام می‌توان ادعا کرد که عمل ائمه معصوم (ع) در دوران عدم بسط ید نیز بر این سیره بوده تا در زمانی که شیعیان تحت فشار اقتصادی و سیاسی بیشتر بودند بخشی از پرداختی‌های واجب آن‌ها همچون خمس را بر آنان بخشیدند، چرا که معمولاً شیعه مؤلف به پرداخت وجوهاتی طبق قوانین و شرایع خلفای اموی و عباسی بود و اگر قرار بود تا وجوهاتی را نیز به ائمه (ع) پرداخت کند فشار مالی زیادی را علاوه بر فشار سیاسی و اقتصادی باید متحمل می‌شدند. حال اگر زمانی شیعیان با گشایشی رو به رو می‌شدند پرداخت وجوهات شرعی را داشتند تا ائمه (ع) آن را برای مصارف خاص خود و کمک به دیگر شیعیان استفاده کنند. حال اینکه ما در حکومتی اسلامی زندگی می‌کنیم چرا باید مؤمنان و شیعیان مقید به پرداخت وجوهات شرعی تحت فشار مالی مضاعف بوده و به واسطه این فشار مالی، توزیع درآمد علیه این افراد رقم بخورد؟

همچنین می‌توان از مزایای الحاق این دو نظام (مالیاتی و شرعی) از افرادی که برای فرار از بار مالی و اقتصادی حاصل از این پرداخت‌های دو سویه ترجیح می‌دهند به

جای تحمل جریمه‌ها و یافتن راه‌های فرار از مالیات، راه به ظاهر ساده‌تر یعنی امساک از پرداخت وجوهات شرعی را برگزینند، با توجه به تغییر رویکرد به وجوهات شرعی و همچنین با از بین بردن این تبعیض ظاهری، این گزینه را انتخاب می‌کنند.

در نتیجه پرداخت وجوهات شرعی برای کسانی که قبلاً پرداخت این دو مبلغ با هم را بیشتر می‌دیدند و اکنون هیچ فرقی بین پرداخت مالیات و پرداخت وجوهات شرعی را نمی‌بینند، اولویت پیدا می‌کند.



## نتیجه‌گیری

یکی از معضلات و مشکلات موجود در نظام مالیات کنونی که نتیجه اتخاذ نگاهی موازی به نظام مالیاتی است، پرداخت دو سویه (پرداخت خمس و زکات و مالیات) توسط افراد مذهبی است. برای مثال فردی مذهبی که مشمول مالیات بر درآمد است فارغ از پرداخت وجوهات شرعی باید مالیات خود را نیز بپردازد. در حالی که فرد غیر مقید به پرداخت وجوهات شرعی، تنها مالیات را پرداخت کرده و متحمل بار مالی زیادی نمی‌شود، در حالی که این انتظار می‌رود در یک نظام مالیاتی مبتنی بر اصول اسلامی، افراد مذهبی کمترین فشار مالی را متحمل شوند.

به نظر می‌رسد حل مشکلات نظام مالیاتی کنونی از جمله پرداخت‌های دو سویه، مستلزم پیاده‌سازی نظام مالیاتی مطلوب در الگوی پیشرفت اسلامی است و در این جهت باید تمام مشکلات فقهی، اجرایی و ساختاری حل گردد اما این امر به آن معنی نیست که تا حل کامل این مشکلات باید صبر کرد بلکه باید به طراحی و تعبیه نظام مالیاتی اولیه اما نزدیک به ایده‌آل پرداخت. این نظام می‌تواند با تغییر رویکرد، موجبات اصلاحات بعدی را با ایجاد فضایی جدید در راستای رسیدن به یک نظام مالیاتی ایده‌آل فراهم آورد.

با توجه به این بیان، گام اول از پیاده‌سازی نظام واحد مالیاتی همان تغییر نگاه به نظام مالیاتی خواهد بود؛ اگر تغییر رویکرد نظام مالیاتی از اینکه مالیات‌های حکومتی حکم اولیه تلقی شوند به سمت کمک گرفتن از وجوهات شرعی به عنوان حکم اولیه حرکت کند می‌توان مشکل پرداخت‌های دو سویه را با الحاق چند قانون و

همگرا کردن سایر قوانین مالیاتی حل کرد. اما با توجه به نگاه واحدی که اصل را پرداخت وجوهات شرعی می‌داند و در صورت عدم کفاف، مالیات‌های حکومتی را به عنوان حکم ثانویه تجویز می‌کند، می‌توان پرداخت کننده خمس را پرداخت کننده اصلی دانست.

در واقع کسی که وجوهات شرعی خود را پرداخت می‌کند، بنا به مبلغ پرداختی، سهم خود از تأمین هزینه‌های حکومت اسلامی که عزت شیعه است را پرداخت نموده است، حال در این وضعیت چرا باید فشار مالی اضافی ناشی از وضع مالیات - های حکومتی تحت عنوان احکام ثانویه را که به جهت کمبود وجوهات شرعی حاصل از عدم پرداخت خمس و زکات عده‌ای پیش می‌آید، افراد متدین و مقید به پرداخت وجوهات جامعه اسلامی تحمل کنند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، چاپ محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، بیروت ۱۳۸۳/۱۹۶۳، چاپ افست، قم، ۱۳۶۴ش.
۴. ابو عبید، القاسم بن سلام، الاموال، قاهره: انتشارات المكتبة التجارية، ۱۳۵۳ق.
۵. جمعی از مؤلفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ۵۶ جلد، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، بی تا.
۶. جوادی آملی، عبدالله، مالیات‌های حکومتی از دیدگاه فقه، مجموعه مقالات نظام مالی اسلام، یک جلد، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، اول، ۱۳۷۹ش.
۷. حسینی نجومی، سید مرتضی، الرسائل الفقہی، قم، بی تا.
۸. حلّی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه)، ۱۴ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، ۱۴۱۴ق.
۹. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم، موسوعه الامام خویی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۱۸ق.

۱۱. درخشان، مسعود، ملاحظاتی در مفاهیم و نقش مالیات در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف، تهران، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۷ش.
۱۲. رسولی شمیرانی، رضا، فرشته حاج محمدی و ابوالفضل ظهوریان، ارتباط بین مالیات‌های متعارف و مالیات‌های دینی با تأکید بر وجوه مشترک، مجموعه مقالات سومین همایش مالیات‌های اسلامی، ۱۳۹۰ش.
۱۳. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۳۰ جلد، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ق.
۱۴. فرهنگ، منوچهر، فرهنگ بزرگ علوم اقتصادی، تهران: البرز، چاپ اول، ۱۳۷۱ش.
۱۵. قانون مالیات‌های مستقیم.
۱۶. کبیا‌الحسینی، سیدضیاء‌الدین، ملاحظات پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی، پژوهشنامه مالیات، سازمان امور مالیاتی، دوره جدید، سال نوزدهم، شماره یازدهم، پاییز، ۱۳۹۰ش.
۱۷. گیلک حکیم آبادی، محمدتقی، مقایسه وجوه شرعی (زکات و خمس) با مالیات، مجموعه مقالات همایش مبانی فقهی و اقتصادی مالیات‌های اسلامی، قم، سازمان انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۷ش.
۱۸. مدرسی طباطبایی، حسین، زمین در فقه اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۱۹. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، قم، حکمت، ۱۳۸۴ش.

۲۰. معرفت، محمد هادی، ولایت در خمس، مجموعه مقالات نظام مالی اسلام، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۲۱. موسوی خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه، در یک جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران - ایران، دوازدهم، ۱۴۲۳ق.
۲۲. مؤمن، محمد، رابطه خمس و زکات و مالیات‌های حکومتی، مجموعه مقالات نظام مالی اسلام، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۲۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۶ق.
۲۴. یوسفی، احمدعلی و دیگران، نظام مالی اسلام، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ش.